

نوبت ایران یا نوبت اعلیحضرت

تز راهکار

امیرفیض- حقوقدان

اعلیحضرت در مصاحبه اخیر با تلویزیون افق ایران، بیاناتی در مدار «نوبت ایران فرا رسیده» ایراد فرموده اند که این نقد کوتاه در رابطه با آن است.

«نوبت ایران» عنوان گنگی است که مترصد از پاسخی نیست که با درک آسان شنونده آشنا باشد، شنونده از نوبت ایران برداشتهایی مینماید که ساده ترین آنها جریانی است که پس از عبور و شمول برخی کشورها؛ اکنون نوبت به ایران رسیده است، مانند آنچه که در عراق و لیبی بوسیله آمریکا رویداد و یا آنچه که در سوریه و افغانستان بواسطه تروریست های تحت حمایت آمریکا و اقمار آن کشور بوقوع پیوست پیش رو قرار میگیرد.

و یا مصداق این ضرب المثل «زدی ضربتی، ضربتی نوش کن» یعنی تا به امروز آمریکا هرکاری که خواست علیه ایران کرد و حالا نوبت ایران است که متقابلا اقدام کند.

اعلیحضرت تفسیر دیگری بر آن اضافه فرمودند. که مقصود از نوبت ایران نوبت ملت ایران است و آنطور که استنباط شد مقصودشان تحولات در ریاست جمهوری آمریکا و نارضایتی مردم ایران و مسائل تابعه آن است که همه میدانیم و تکرارش جز افزایش غم و افسوس چیز دیگری نیست؛ زیرا دانستن برای اقدام و رفع اثر از ضایعات است وقتی ما میدانیم ولی کاری نمیکنیم دانستن چه سودی دارد.

نوبت ، نوبت اعلیحضرت است

نوبت ایران فرارسیده، در مفهوم فلسفی و فرهنگ ملی ما به معنای فرا رسیدن نوبت اعلیحضرت است.

این نوبت، نوبت امروز نیست نوبتی است که سه هزار سال قبل نوبت گذاری شده است و سی و چند سال دوران فترت، تحمیلی مانع تجلی آن گردیده است، اکنون با تحولاتی که پدید آمده، زمانی است که نوبت تاریخی و قانونی اعلیحضرت از قوه به فعل درآید و با عبور از مانع و محظورات سیاسی که آمریکا آنرا بر سلطنت ایران تحمیل کرده است؛ اعلیحضرت رسماً به وظائف و تکالیف قانونی و نمادی خود عمل و از موقعیت پیش آمده استفاده و در جریان نوبت تاریخی خود قرار گیرند.

تزارهاکار

✿✿ این تزگویای مراتبی است کلی، که میتواند با نظرکارشناسان وسلطنت طلبان متعهد تکمیل و در فرصت کوتاهی به جریان بیفتد وهدف آن حفظ تداوم سلطنت ایران واستفاده از آن درجهت نجات ایران و تامین آزادی ورفاه ملت واستقلال وبنای موقعیت اصیل ایران درسطح جهانی است.

✿✿ نخستین مهم رفع اثر از مصوبه وزارت خارجه آمریکا در دوران کارتراست که بطوریکه استحضار دارید محدودیتی غیرقابل قبول وبرخلاف سنت حقوقی کشورها برتداوم سلطنت ایران تحمیل شده است.

مقصود ازرفع اثراین نیست که منتظر بشویم تا وزارت خارجه آمریکا رسماً آنرا بلا اثرسازد بلکه اقداماتی است که نشان دهد چنان تصمیمی که وزارت خارجه آمریکا علیه سلطنت ۲۵۰۰ ساله ایران اتخاذ کرده نه مقبول ایرانیان است ونه تعادلی با حقوق انسانی وبشریت دارد، ونه ایرانیان تحمل آنرا دارند.

✿✿ پیشنهاد تزاین است که شخص اعلیحضرت با توجه به امکاناتی که درمذاکره با شخصیت های اروپائی وآمریکائی دارند مسئله تصمیم وزارت خارجه آمریکا که بطرح هنری پرشت معروف است را با آنها درمیان بگذارند و آنرا ننگ بزرگی برای کشور آمریکا وسایه شوم دخالت آشکار آن کشور حتی سلطنت طلبان خارج ازکشور که بنابراین اعلیحضرت یک میلیون ودویست هزار تن هستند؛ به پشتیبانی از رفع محظورات اعلیحضرت جدا و قاطعانه وبسرعت برخیزند وبه کیفیتی که معمول است طوماری بزرگ وبا اعتبار در جهت رفع اثر ازطرح هنری پرشت تهیه نمایند. (ظرف ۵ روز یک میلیون امضا برای مخالفت با ورود آقای ترامپ به انگلستان جمع آوری شد)

✿✿ یکی ازواحد هائی که تکلیف مهم وقاطعی دراین مورد دارد شورای اعلیحضرت است که مدعی داشتن ۵۰ هزار عضواست که اگرهرعضومکلف شود که حد اقل ۱۰ تن را به مجتمع امضا دعوت کند گامی بزرگ درتحقق این برنامه خواهد بود.

✿✿ برنامه جمع آوری امضا درکوتاه ترین مدت حد پیش بینی شود.

✿✿ پتیشن امضا همراه نامه ای بادقت سیاسی وحقوقی خطاب به دولت آمریکا، بوسیله یک شخصیت سیاسی آمریکائی ویا یک فرم حقوقی معتبر باید تسلیم مقامات قانونی آن کشور بشود.

✿✿ همینکه قطعنامه مجمع ملی (پتیشن) به دولت آمریکا تسلیم گردید، بلافاصله اعلیحضرت دریکی

بیانیه کوتاه موقعیت خودشان را طبق قانون اساسی وسوگندی که یاد فرموده اند به اطلاع عموم میرسانند وبه موازات آن یک شخص صاحب صلاحیت را بعنوان فرماندار مبارزه بطورموقت تعیین و بنام او فرمان صادرخواهند فرمود.

❖❖ فرمان فرماندار مبارزه که در عنوان حقوقی همان نخست وزیر خواهد بود کاملاً اصول متمم قانون اساسی در عدم توجه مسئولیتها به اعلیحضرت و توجه مسئولیت ها به فرمان دار مبارزه و افراد منتخب از طرف او ذکر خواهد شد.

❖❖ فرماندار مبارزه افراد مورد نظر خود را با دقت انتخاب و پس از تصویب اعلیحضرت مفتخر به همکاری خواهند شد؛ و آنها طرح های لازم برای آزادی ایران بر معیارهای حقوق سیاسی و شناخته شده جهانی، تامین منابع مالی و تدارکاتی و همه مسائل مربوطه و مصلحت اندیشی مبارزه را عهده دار خواهند بود.

❖❖ اعلیحضرت از هرگونه اظهار نظر- مصاحبه و بیانیه خودداری خواهند فرمود و همه این ابزارها در اختیار فرماندار مبارزه خواهد بود.

❖❖ هزینه های مادی فعالیت هیئت فرمان دار مبارزه انحصاراً از سهم شرکت در وظیفه ملی و کمکه های ایرانیان تامین خواهد شد.

❖❖ تمام فعالیت رسانه های گروهی و تصویری سلطنت طلبان در مسیر اهدافی که از سوی فرماندار مبارزه مشخص میشود حرکت سیاسی مستقل خواهند داشت.

❖❖ مهم ترین وظیفه فرماندار مبارزه حفظ اعتبار و قدرت معنوی اعلیحضرت است دلیل این مهم را ذیلاً باتفاق مرور میکنیم.

قدرت، عامل انحصاری

اعلیحضرت برای استفاده از موقعیت ها و باصطلاح خودشان قرار گرفتن در نوبت، و به تفسیر قانون اساسی و حقوق سیاسی، در جایگاه قانون اساسی نیاز به قدرت دارند.

قدرت در این مورد، متوجه دو معناست یکی قدرت معنوی و دیگری قدرت مادی. نیاز قدرت مادی اعلیحضرت تحت الشعاع قدرت معنوی است، به کلامی قاطع، اول قدرت معنوی و بعد قدرت مادی. بدون قدرت معنوی، امکانات مادی اسباب بدنامی است، قدرت مادی اعلیحضرت، از جمله و تبعات قدرت معنوی است. قدرت معنوی شاه در مقام و موقعیتی است که تاریخ و هویت ملی و قانون اساسی مشروطیت و دستاوردهای اقتصادی و مترقی شاهان پهلوی شکل و ماهیت آن قدرت معنوی امروزی اعلیحضرت را ساخته است و تنها به اقتضای هویت ملی بنان شده است.

در بود قدرت معنوی، بود قدرت مادی در تمامی ابعاد آن حتمی است و در نبود قدرت معنوی هیچ بودی که بتواند جایگزین قدرت مادی شود بوجود نخواهد آمد. هرچه آید بی ریا بر باد خواهد رفت؛ یکی از مورخین نوشته است؛ که در تاریخ شاهنشاهی ایران هیچگاه برات شاه لاوصول نمانده است، این یعنی قدرت معنوی شاه است که قدرت مادی را موجب میشود. قدرت معنوی است که جاذب قدرت مادی میشود. قدرت معنوی قدرت واقعی است و قدرت مادی قدرت ظاهری و مجازی است.

قدرت معنوی اعلیحضرت از ریشه هائی است از جمله قانون اساسی مشروطیت که مشروعیت آن در کنار پیشرفت‌ها و عمر ۷۰ ساله، مشروعیتی بتمام داشته است و میتواند و باید دستورالعمل قدرت معنوی اعلیحضرت در نجات کشور و استفاده از فرصت و نوبت گردد.



نمونه ای از ساندیس خوران بسیجی

داور وزیر دربار رضاشاه کبیر جمله ای دارد که بسیار شبیه به فرمایشات سابقه اعلیحضرت در رابطه با قانون اساسی مشروطیت است جمله داورچین است:

«ماقانون اساسی را متزلزل نمیکنیم و مطمئن هستیم تاوقتی که ایرانی بکلی از شرافت بی بهره نشده است هیچکس پیدا نخواهد شد به آن اصولی که بر آن اشاره کردیم دست بزند».

یعنی شرافت و مردانگی ایرانیان ضامن حراست از قانون اساسی، و قانون اساسی سند قدرت معنوی و مادی شاه است، قدرت معنوی سلطنت مانند نوری است که بهر جا بتابد و یا بارانی است که بهر جا ببارد ایجاد قدرت مادی میکند. مقصودم این است که از نبود قدرت مادی نهراسید که قدرت معنوی شاه پاسخگوی آن است.

اعلیحضرت بدون قرار گرفتن در قطب قانونی سلطنت، شخصیت قابل احترامی هستند ولی شخصیت موثر و کاربر و عامل نجات کشور نمیتوانند باشند زیرا فاقد قدرت هستند و حتی تجانس خودشان را با اقتدار معنوی که از هویت ایرانی به امانت دارند، نشان نمیدهند.

سابق نوبت ایران

از فرمایشات اعلیحضرت این برداشت حاصل شد که دیدگاه ایشان متوجه پاسداران جمهوری اسلامی و قرار گرفتن آنها در کنار مردمی است، که متحمل زندگی سخت و طاقت فرسا میباشند و بنابر روحیه ای که اعلیحضرت دارند تصور میکنند که هیچگاه پاسداران روبروی مردم قرار نمیگیرند.

بنابراین به این امید نشسته اند و طرح کلی اداره ایران را برای ۵۰ سال آینده در دست اقدام قرار داده اند! آنها در حالیکه در موقعیتی قرار دارند که با قدرت معنوی آشنای ملت بکلی بیگانه و از قدرت مادی خالی هستند.

ناکامی تصور اعلیحضرت

ناکامی و نادرستی تصور اعلیحضرت، برخاسته از فلسفه اسلامی است که میگوید: <اگر رفاه و آسایش به مردم داده شود آنها سرکش میشوند>.

ما از جمهوری اسلامی یک نگاه مادی داریم ولی به فلسفه ساخت و ساز حکومتی آن کمتر نگاه میکنیم جنبه ظاهری جمهوری اسلامی ممکن است تاحدودی با اما و اگر با نظریه اعلیحضرت همراه باشد ولی جنبه های ساخت و ساز حکومت جمهوری اسلامی به کل، نظریه اعلیحضرت را مردود میسازد.

ساخت و ساز نامرئی جمهوری اسلامی

*** به اجمال اینکه، اساس و ریشه در حکومت اسلامی بقاء است و منشا بقاء قدرت است، و یکی از

ارکان قدرت ثروت است، و در مقابله با ثروت، فقر و گرفتاری مردم است؛ **برای حفظ این توازن، یعنی ادامه حکومت اسلامی، برتری و حاکمیت مطلق قدرت، برای حکومت، وضع و درماندگی و فقر برای توده مردم ضروری است** و این امر که ممکن است از جهت جامعه شناسی و یا حکومت مداری امروز امری وحشت آور تلقی شود ولی از آموزش های قرآنی است که اگر مردم بی نیاز شوند سرکش میگردند. سرکشی نسبت به کی؟ به دولت و حکومت تابرسد به خدا.

*** جمهوری اسلامی در اجرای این سیاست همواره نیمی از مردم کشور را در حالت نیاز به کمک مادی

حکومت اسلامی نگهداشته و دارد، به غیر از یارانه ها که صورت قانونی دارد صدها بنیاد و سازمان وجود دارد که در حیطه اقتدار سید علی خامنه ای است که هر یک توده های وسیعی از مردم را اداره مالی میکنند، خامنه ای دارای زنجیره ای از شرکت هاست که بدون کنترل دولت و یا پرداخت مالیات اداره میشوند، آنطور که خبرگزاری رویترز گزارش کرده نزدیک ۹۰ میلیارد دلار سرمایه گردان *** تمام این

درآمد ها صرف بقای جمهوری اسلامی میشود چه در جهت کمک به آشوب های بین المللی و یا کمک به مردم دچار تنگنای زندگی. این کمک ها بیشتر بوسیله نماینده خامنه ای که معمولاً امام مساجد شهرستان ها هستند و در تمام ادارات و شرکتهای سازمان های دولتی پایگاه دارند و گفته شده که تعداد آنها به ۴۰۰ هزار میرسد، مدیریت میشود و یک نوع رشته حیات و مرمعاش، بین جمهوری اسلامی (قطب خامنه ای)

و مردم کم درآمد بوجود آمده است؛ که آن مردم احساس میکنند حیاتشان متصل به بقای جمهوری اسلامی است و به مردم تلقین شده که این وجوه را خامنه ای به نیابت ائمه به آنها میدهد؛ و این گروه با چنگ و دندان نه از حکومت اسلامی که از بقای خودشان که متصل به بقای جمهوری اسلامی است دفاع میکنند و یا حداقل در مرافعه علیه جمهوری اسلامی مشارکت نمیکنند.

❀❀ قدرت نظامی ولایت فقیه متمرکز در پاسداران و شعب متفرقه آن است؛ مانند بسیج و هر روز هم سازمانی جدید به آن اضافه میشود و این سازمان های تازه همه از جوانان به رشد رسیده شکل میگیرد و از مزایای مالی و جنسی برای زندگانی خود بیش از آن حدی که انتظار دارند برخوردارند؛ امروز حقوق یک درجه دار پاسدار چند برابر حقوق یک درجه دار ارتش است؛ تمام در آمد های غیرقانونی و قانونی و مناقصه ها متعلق به سپاه است صدها شرکت فعال ساختمانی و تجاری و صنعتی ابواب جمع سپاه است.

همه این امکانات بسیار وسیع بی حساب که در راه تحصیل ثروت بکار گرفته شده برای بقای جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی در کنار این ثروت عظیم و درآمد بی حساب صدها هزار خانواده را به عناوین مختلف جیره مالی میدهد و آنها در واقع سربازان خیابانی و تبلیغاتی جمهوری اسلامی هستند. تظاهرات جمهوری اسلامی که تعداد شرکت کنندگان آنها غیر قابل انتظار است نتیجه همین روابط مالی و حمایتی دستگاه های جمهوری اسلامی از خانواده های مسلمان است.

❀❀ باید تفاوت گذاشت بین مردمی که بیشتر میخواهند تا مردمی که علیه حکومت قیام کنند؛ مردم ایران بعلت همین ارتباطات مالی مرتب از سوی نهادهای وابسته به خامنه ای هرگز به فکر قیام علیه حکومت نخواهند بود؛ عدم رضایت مردم هست خیلی هم هست، ولی عدم رضایت آنان بعلت باورهای دینی و طرفیت آن با خدا موردی نیست که بتوان روی آن حساب کرد؛ آنها برای کسانی که خودشان را در قطب مخالفت با دین و مذهب قرار داده اند.

❀❀ مسائل آزادی و حقوق بشر و انتخابات آزاد و ایران و ملت ایران و امثال آنها هم برای آنان کوچکترین اهمیتی ندارد؛ نه اینکه اکنون ندارد متأسفانه هیچ وقت هم نداشته است. اینکه کسی فکر کند که مردم برای آزادی و یا سکولاریسم قیام کنند فکر خامی است و ناشی از دید ظاهری به حکومت های غیر اسلامی است.

❀❀ سیاست اسلامی جمهوری اسلامی، نگهداری مردم در حالت وابستگی سخت به حکومت از نظر مادی است؛ هر قدر امکانات مالی برای حکومت فراهم شود مسئله رفتاری و سختی معیشت مردم بر طرف نخواهد شد؛ زیرا همینکه احساس بی نیازی به کمک مالی دولت را داشته باشند به عصیان و بهانه جونی دست میزنند (آیه ۵۷ سوره ۵۱).

در کنار این شگرد حکومت اسلامی قدرت معنوی اسلام هم قرارداد که اساسا مسلمانان به شکر گذاری به آنچه دارند عادت کرده اند و ناشکری در ردیف شرابخواری و زنا قرار داده شده است.

[[حاشیه = مفسرین و حقوقدانان اسلامی براساس آیات و سنت، اعمالی که مرتکب آن به جهنم خواهد رفت به ۵۰ مورد ثبت کرده اند که از آن جمله است کفر - شرک - حرص - حسد - حب دنیا - آرزو های دنیا - دشمنی با اهل بیت - ترک نماز- شرابخواری - ناشکری کفر نعمت و بقیه. (اصول کافی) کفر نعمت یا ناشکری، آنست که آنچه خدا در اختیار فرد مسلمان است در غیر مورد مصرف شود و یا در آن حد قانع و راضی نباشد و بطور کلی شاکر خداوند از آنچه نصیب او ساخته نگردد (همان اصول کافی) پایان]]

***** مبارزه اعلیحضرت بعنوان یک فرد ایرانی نمیتواند و قادر نیست که بتواند در مقابل امکانات مالی**

جمهوری اسلامی مقابله و چاره اندیشی کند. همین روزها که مسئله محدودیت ایرانیان به آمریکا محل گفتگو و ممانعت است ملاحظه دارید که جمهوری اسلامی چه سرمایه گذاری سنگینی میکند؛ بیانیه ۹ هزار استاد و دانشمند آمریکائی بوسیله لابی جمهوری اسلامی در آمریکا فراهم شده. راه اندازی ۱۰ روز سینه زنی و میهمانی در اورنج کانتی که بکلی امری بیسابقه بوده نمونه هائی از قدرت مادی و هشیاری و حساسیت جمهوری اسلامی به بقای خود است که چنین مانوری در مقابل اقدامات ترامپ نشان میدهد.

***** اعلیحضرت بعنوان یک فرد ایرانی چه دارید بجز نوید آزادی و دمکراسی و انتخابات آزاد و مشتی هم**

و عدهای نگران کننده مانند تجزیه کشوری قدرت معنوی مستوره در تاروپود باورها و اعتقادات مردم ایران که آنرا به بایگانی تاریخ سپرده اید، ولی بطور مسلم قدرت معنوی سلطنت قدرتی است که در شرائط کنونی کشور تنها قدرتی است که میتواند جبران کمبود قدرت مادی مبارزه اعلیحضرت را بنماید، گرچه این قدرت در مقامی که باید باشد نیست و تضعیف آنها به عللی است که در تحریرات گذشته آمده ولی بهرحال در هر حدی که تصور شود تنها وسیله ممکن برای مقابله با قدرت مادی و مذهبی حکومت اسلامی است و غیر از این قدرت اعلیحضرت واجد هیچ قدرتی نیستند. ریشه های این قدرت علیرغم همه تلاشهای مستقیم و غیر مستقیم جمهوری اسلامی همچنان باقی است، آبیاری و توجه به آن به مناسبت زمینه های موجود در فرهنگ و حیات تاریخی ملت ایران کاملا امکان دارد، اعلیحضرت تنها کسی هستید که میتوانید به حیات دوباره این نیرو عامل باشید.

***** قدرت معنوی سلطنت فراهم کننده قدرت فوق العاده مادی و نیروی انسانی و امید واری به قول**

و قرارهای مورد انتظار انسانی است؛ این سرمایه در اختیار هیچکس و هیچ فردی نیست مگر اعلیحضرت رضاشاه دوم. اگر استفاده بفرمایند، به ندای تاریخ و میهن و شرافت ملی پاسخ داده اند، ولی اگر عنایت نفرمایند؛ این نوبت هم در کنار ده ها نوبت و فرصت دیگر به هدر خواهد رفت و پاسخ آنرا اعلیحضرت در بیانات سابقشان چنین داده اند.

تنها کسی که در آن مملکت بوده هست و مسئولیتی در برابر قانون دارد آنها من هستم وظیفه اصلی من فقط حفظ آن قانون است. من وظیفه خود را نه تنها بعنوان یک ایرانی بلکه در این موقعیت و با آن

مسئولیت تاریخی که بردوش من گذاشته شده نمیتوانم به آن پشت کنم، اصلا آب خوش از گلوی آدمی پائین نمیرود که بتواند سربلند کند درحالیکه میداند وجدانا درباره مملکتش هیچ کاری نکرده است.

❁❁ آیا کسی میتواند قدرت معنویت سلطنت وگرایش ایرانیان رابه شاه وسلطنت با گرایش های انتخابات

آزاد و سکولاریم مقابله کند؟ آیا کسی میتواند که مردم حداقل معاشی که ازجمهوری اسلامی بعنوان کمک واعانه اسلامی دریافت میکنند به خاطره وعده هائی که حداقل ۳۵ سال است هرروز بشکلی در آمده وفراموش شده است ازدست بدهند؟ هرگز گمان نمیکنم، اگرتردید دارید در این گمانی که عرض شد با جامعه شناسان موضوع را مطرح کنید.

❁❁ این تز، تزامروز نیست سی سال است که سنگردرمواقع مقتضی آنرا به استحضاراعلیحضرت رسانده است ولی اکنون فرصت و نوبتی که فراهم شده کاملا استثنائی است.

تا که راهی هست انرا برگزین پیش از آنک راهی نباشد پیش رو

ایران وملت با ملیت ایرانی و شرافت وهویت ایرانی درانتظار تصمیم

سریع وعاجل اعلیحضرت در استفاده از نوبت فراهم شده است، اتفاق

و تلاش سلطنت طلبان درجهت تز ارائه شده بدون رضایت خاطر و

همیاری اعلیحضرت نه ممکن است ونه تاثیر گذار.